

## تربیت خانوادگی

دل کودک همچون زمین خالی است که آماده پرورش هر گونه بذری است . (علی علیه السلام)

يك مادر خوب بصد استاد و آموزگار میارزد . . .  
و طفلی که در دامن مادر خود بخواب رفته  
نسل آتی را تشکیل میدهد و کیفیت اخلاقی و شخصیت  
بی در آتیہ مربوط بمرشق و تربیتی است که از نخستین  
هر بی خود مادر گرفته است . (امر سن)

• اولین آموزشگاه

• تشکیل خانواده از نظر اسلام

• آگهیهای ازدواج

انسان برای تربیت و تکامل معنوی آفریده شده ، روی همین اصل در تمام مدت عمر آدمی مهیا و آماده پذیرش روشهای تربیتی میباشد ، این استعداد از اولین لحظه‌ای که چشمه‌ان شفاف کودک بروی این جهان روشن گشوده میشود تا پیش از لحظه‌ای که برای آخرین بار دیدگان او بفروغ میگردد ، به همراه او بوده میتواند از آن بهره‌مند گردد .

این نکته نیز مسلم است که برای هر کاری زمانی خاص در نظر گرفته شده است . مثلاً تربیت جسمی برای انسان در هر دوره امکان پذیر نیست بلکه در آنموقعی که عضلات آدمی در حال رشد و نمو است ، تربیت جسمی باسانی و سهولت صورت میپذیرد ؛ ولی در آن سن و سالی که قوای جوانی از بین رفته و نیرو و بنیه در حال نقصان است تربیت جسمی چندان اثر و فایده نخواهد داشت . . .

برای تربیت روحی انسان نیز دوره‌هایی در نظر گرفته شده ، یکی از بهترین دوره‌های آن با زمان کودکی انسان تطبیق مینماید ، چه در این دوران صفحه خاطر او از هر عیب و نقصان اخلاقی خالی بوده ، همانند آئینه هر نقش و نگاری در برابر آن قرار گیرد ، فوراً

منعکس خواهد شد. روی همین نکته این دوره از عمر در مقابل فصلهای دیگر زندگی امتیاز خاصی بخود گرفته است.

**اولین آموزشگاه** - علماء و دانشمندان علم اخلاق مراحل تربیتی انسان را تقسیم بندی کرده و اولین مرحله تربیت روحی را دوران طفولیت دانسته عقیده دارند که تربیت و تکامل از همان موقعی که کودک در دامن پر مهر و محبت مادر جای گرفته و از پستان او شیر می مکند آغاز می گردد، روی این اصل محیط خانواده نخستین مدرسه و آموزشگاه پرورش اخلاقی محسوب میگردد. برخلاف سایر آموزشگاهها؛ آموزگاران این مدرسه پدر و مادر می باشند.

تأثیرات بارز و عمیقی که محیط خانه، در روحیه کودکان بجای میگذارد؛ مرسومه جهت است:

۱ - تأثیراتی که يك عمل خوب در روح و روان ما بجای میگذارد، هیچگاه قابل مقایسه با پند و اندرز هایی که معمولاً شنیده میشود نمی باشد. پایه تربیت کودک روی روش - های اصلی پدر و مادر قرار گرفته است.

۲ - در موقعی که کودک بمدرسه خانه قدم میگذارد صفحه خاطر او از هر گونه نقشی خالی است؛ و هیچ مانعی از برای پذیرفتن نقش تعلیم و تربیت، در بین نیست.

۳ - کودک در مدرسه خانه هر چه بیاموزد مانند نقوشی که بر سنگ ترسیم یافته باشد دوام و ثبات داشته باین زودیها زوال پذیر نخواهد بود.

چند بسیار از پدران و مادرانی که در اثر نادانی و جهالت، آغاز تربیت روحی کودک را زمان مدرسه رفتن او دانسته عقیده دارند که میبایستی تربیت اخلاقی توسط آموزگاران مدرسه صورت پذیرد و این غفلت و نادانی سبب میشود که از حساسترین دوره عمر کودک استفاده نشود و کودک در نتیجه عدم مراقبت بسیاری از اعمال ناپسند را بصفحه خاطر سپرده باشد، بدون مبالغه همین مسامحه و سهل انگاریها سهم بسزایی در مفاسد اخلاقی فردی و اجتماعی خواهد داشت.

تحقیقات نوین عصری نشان میدهد که بیشتر مجرمین جوان، در خانواده های بی بند و بار که بوظیفه خود آشنا نیستند؛ تربیت شده اند؛ بطور کلی بحرانهای اجتماعی در برخی از ممالک در ابتدا بشکل بحرانهای تربیت خانوادگی جلوه میکند.

البته نقش اصلی تعلیم و تربیت در مدرسه خانواده بعهد مادر است چه او همراه بیش از پدر در اخلاقی و رفتار طفل نفوذ و تأثیر دارد؛ و بهمین جهت تربیت های

اخلاقی وی دارا و اهمیت بسیار میباشد . در اسلام هم فرمانروائی خانه بهمه زن سپرده شده است ، در نهج الفصاحه از رسول اکرم (ص) چنین حدیث میکند که رسول خدا فرموده: (کل نفس من بنی آدم سیده فالرجل سید اهله والمرأة سیده بیتها) یعنی هر یک از فرزندان آدم فرمانروایست، مرد فرمانروای خانواده خود وزن فرمانروای خانه خویش است .

امروز برخی تربیت فرزند اهمیتی نداده و بیخیال اینکه بازادی آنان صدمه ای وارد نشود ، شانه خود را از انجام این وظیفه بزرگ خالی نموده تربیت کودک را فدای شب نشینی ها و تفریحات خود می نمایند . باین افراد باید خاطر نشان ساخت که این گریز و فرار از تربیت فرزند علاوه بر اینکه تغلف از مقدس ترین و مهمترین وظایف زنان است ، اصولا بزرگترین خیانتی است که نسبت بمسائل پرورشی و روحی کودک توسط مادر انجام میگردد از این بیان ضمناً این نکته روشن می گردد که ارتباط مستقیمی میان اخلاق خانواده و اخلاق و تربیت کودک وجود دارد ، هر قدر پایه اخلاقی پدر و مادر عالی تر باشد بهمان نسبت زمینه پرورش اخلاق کودک مناسب تر و مهیاتر خواهد بود .

پس باید این نکته را در نظر گرفت که چگونه باید شالوده زندگی خانواده را ریخت تا وضع روحی و اخلاقی آن عالی باشد .

### تشکیل خانواده از نظر اسلام : اسلام برای ابقاء نسل بشر و بهبود اوضاع

روحی مسلمانان واجتناب از مفاسد اخلاقی دره موضوع ازدواج و تبدیل زندگی فردی با اجتماعی تاکیدات عدیبه و بیشماری نموده ؛ علاوه بر این امتیازات مخصوصی برای افرادی که همسر دارند قائل شده است مثلاً خواب و آسایش مرد معیل را بعبادتها و روزه های مستحبی مرد مجرد برتری داده و رسول اکرم (ص) تشکیل خانواده را از سنن پیامبران و بالآخر از سنت های نیکوی خود قلمداد کرده ، و هر که از آن اعراض کند در واقع از کیش و آئین او دوری جسته است .

ولی با این همه نباید از این نکته غفلت کرد که تمام این تاکیدات مربوط باصل کلی ازدواج میباشد ولی در تعیین و انتخاب همسر حدود و قیودی بیان نموده است چه تمام این تشویق و ترغیبها راجع باصل ازدواج برای هدف مقدسی بوده که اسلام در نظر داشته و چون اندک غفلتی در تعیین همسر ممکن است وصول بان هدف را خنثی کرده ، اساس معنوی ازدواج را بمخاطره اندازد ، از این روی در تعیین همسر مراقبت و اهتمام فراوان نموده است ، و این مراقبت ها برای آنست که مرحله ازدواج یکی از مراحل خطرناک زندگی بشمار آمده ، در

سعادت و شقاوت افراد تأثیر بسزایی دارد؛ در کتاب وافی و وسائل از امام صادق (ع) چنین روایت شده که فرمود: «انما المرأة قلابه فانظر ماتتقلد» یعنی زن همانند گردن‌بندی است که بگردن آدمی افکنده میشود. پس دقت و تأمل کن تا چه بگردن می‌افکنی امام صادق (ع) فرموده که از رسول اکرم (ص) از موضوع زناشویی پرسشی شد آنحضرت در جواب فرمود: «بلی میباید همسری اختیار کنی ولی می‌کن که همسرت از زنان دیندار باشد، رسول اکرم (ص) در ضمن خطبه ای فرمود: ای مردم از گیاهان سبزی که در زمین متعفن می‌روید اجتناب کنید سؤال شد که منظور از گیاهان سبزی که در زمین متعفن می‌روید چیست؟ رسول اکرم فرمود: «زن زیبارویی است که در محیط آورده و فاسد رشد و نمو نموده است».

در روایت دیگر امام جعفر صادق (ع) چنین می‌فرماید: «اذا تزوج الرجل المرأة لجمالها اولها مالها وكل الى ذالك واذا تزوجها لدینها رزقه الله المال والجمال» یعنی در هر گاه مرد زنی را فقط برای زیبایی و یا ثروت به‌سری گزیند خداوند نظر لطیف خود را از او بردارد و اگر او را برای دین و تقوی انتخاب کند خداوند مال و زیبایی؛ هر دو را بروی ارزانی دارد. این دو سه مورد نمونه کوچکی از نظر و هدف اسلام است در تعیین همسر.

### آگهی‌های ازدواج

امروز که عصر دانش و فرهنگ است و سطح معلومات عمومی بالا رفته؛ باید دید تشکیل خانواده روی چه محوری دور می‌زند؟ برای این منظور به مجلات کشور که نوعاً مظهر افکار عامه بوده و تمایلات نوع مردم در آن منعکس میشود باید مراجعه نمود و به صفحه‌ای که اختصاص با آگهی‌های ازدواج دارد توجه کرد. یکی مینویسد: جوانی هشتاد و دو ساله چشم‌واپروم‌شکی دیگری نوشته جوانی هشتاد و یک ساله بسیار خوش‌شکل ۱۱ سومی مینویسد من بیست سال دارم حاضر من بادوشیزه‌ای که قدش یکمتر و هشتاد سانتیمتر است ازدواج کنم، ضمناً یک میلیون ریال از پدر بارت برده‌ام؛ خلاصه در این آگهی‌های ازدواج همه چیز یافت می‌شود. خصوصیات قد؛ زیبایی اندام؛ رنگ صورت، مو و شخصیت مالی؛ ولی از چیزی که پایه و اساس زندگی خانواده محسوب میشود یعنی از اخلاق؛ دین و تقوی عین و اثری دیده نمیشود؛ بلکه همه بر محور جمال و مال می‌گردند، و از اینجا بخوبی معلوم میشود که ازدواج‌های هم‌رأسم برده‌فروشی‌های قرون وسطی بی‌شبهت نیست. ای کاش لااقل این آگهی‌های مسخره پایه و بهانه تشکیل خانواده‌ای میشد و اعلان کنندگان راستی چنین پیشنهادهایی اقدام می‌نمودند ولی متأسفانه معلوم شده که خود این کار هم وسیله‌ای برای مقاصد شوم و اغراض پستی

شده است ۱ ..

در خواندن آنها شماره ۲۳ سال ۲۱ چنین نوشته : چندی پیش در یکی از نشریات اطلاعات درد دل مهندسی چاپ شد و خلاصه مطلب این بود که زنی به آگهی ازدواج او پاسخ داده ؛ و مدت شش ماه تمام ، از او سواری کشیده ؛ و آخرش هم گذاشته رفته آمریکا ، در ضمن این آقا شرح داده بود که چگونه سی چهل نفر زن چهل و پنج ساله خود را بیست و بیست و پنج ساله جا زده و میخواستند او را گول بزنند !

مضحکتر اینکه بعد زنی تلفن کرده بود و میگفت : که همین آقای مهندس که خود را چنان مظلوم و گول خورده و معصوم قلمداد میکند خودش یک زن و سه بچه دارد و با وجود این اعلان ازدواج در مجلات چاپ کرده و زنهای و دختران مردم را گول میزند ؛ این زن ادهامی کرده که خود او یکی از قربانیان همین آقای مهندس است .

اینست سرانجام مردمی که بتقلید کور کورانه غریبهها راه زندگی صحیح و سعادت بخش را گم کنند اساساً ازدواج يك امر حیاتی است آیا از راه اعلان در روزنامهها میتوان باین امر حیاتی صورت داد و همسر خوبی پیدا کرد و خوب زندگی کرد؟ وانگهی آیا خصوصیات قد و شکل و شمایل در زندگی خانوادگی از طرز تربیت و محیط پرورش و شرایط زندگی مؤثرتر میباشد ؛ که همه بر محور آن میچرخند ؟ - بطور مسلم مقدار زیادی از فساد اجتماعی ما معلول همین طرز فکرهاست که پیوندهای ازدواج روی اصول عقلانی نبوده ، بلکه بر پایه هدفهای مادی و هوسهای جوانی قرار گرفته ، لذا بسیاری از ازدواجهای کنونی پیش از آنکه بهاری از آن گذشته باشد ؛ از هم پاشیده و یگانه ثمری که از این ازدواج بیرون حاصل میگردد ، همان ناراحتیهای روحی و روانی است که دامنگیر طرفین میشود ، و تا مدتها آنها را شکنجه و عذاب میدهد .

### هوقعیت حساس سخن !

علی علیه السلام میفرماید : الکلام فی وثاقک مالک تتکلم به ، فاذا تکلمت به صرت فی وثاقه قرب کلمة سلبت نعمة و جلبت نقمة !  
سخن مملوک و مالکست مادامی که نگفته باشی اما همینکه گفتی تو مال او هستی او پناه میشود که يك کلمه نعمتی را بر باد میدهد و مسیبتی را بیار میآورد !  
نهج البلاغه